

تحلیل گفتمان جایگاه سیاسی زنان در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

رضا پریزاد، مهدی بکند^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر تحلیل گفتمان جایگاه سیاسی زنان در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی است، که با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است: در رابطه با تحول در وضعیت سیاسی زنان طی دولت‌های احمدی‌نژاد و حسن روحانی چه گفتمان‌هایی در نهادهای اجرایی کشور شکل گرفته و با توجه به این گفتمان زنان چه جایگاهی در این گفتمان داشته‌اند؟ در پاسخ به این سوال نگارنده به این اعتقاد است که گفتمان اصول‌گرایی در برنامه توسعه پنجم، که در واقع برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی و به بیان عام‌تر نشأت گرفته از گفتمان اسلام‌گرایی است و تأکید بر قانون اساسی، توسعه اقتصادی، عدالت، ارزش‌های دینی و اخلاقی و استقلال است که نگاه ویژه به جایگاه سیاسی زنان داشته و در مقابل گفتمان اصلاح‌طلب در برنامه توسعه سوم و چهارم تأکید بر اصلاحات، توسعه سیاسی و جامعه مدنی است. دولت‌ها بنا بر گفتمان و دیدگاه‌های سیاسی که دارند به موضوع جایگاه سیاسی زنان بطور خاص توجه نشان داده‌اند و با تدوین سیاست‌های جدید و یا اجرای سیاست‌هایی که از گذشته در قوانین پیش‌بینی شده است، سعی در اعمال دیدگاه‌های خود در حوزه اشتغال زنان داشته‌اند که همین امر سبب شده است با تغییر دولت‌ها، سیاست‌ها تغییر کند و ما شاهد روندی پایدار و مداوم در حوزه اشتغال زنان نباشیم. نظام جمهوری اسلامی متشکل از دو گفتمان است که به فراخور شرایط یکی از آنها بعنوان گفتمان مسلط و دیگری در حاشیه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: گفتمان، جایگاه سیاسی، زنان، دولت

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم bokandmehdi@gmail.com

مقدمه

در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات چشمگیری در حوزه مسائل زنان رخ داده است. در واقع وقوع انقلاب اسلامی و حضور همه‌جانبه زنان در جریان انقلاب، نقطه آغازین برای این تحولات بود. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب تحولات وسیعی در حوزه فرهنگی و اجتماعی و حقوقی زنان به وقوع پیوست. از جمله این تحولات، تدوین قانون اساسی است که در آن زنان دارای حقوق همه‌جانبه و فراگیری همچون مردان شدند. در مقدمه قانون اساسی، ضمن اشاره به نقش زنان در شکل‌گیری انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... زنان توجه خاص شده است (کرمی قهری، ۱۳۹۱). از دیگر تحولات، ارتقای امنیت و منزلت اجتماعی زنان است. همچنین ارتقای سطح سواد و آموزش به صورت گسترده نیز از تحولات ایجاد شده در امور آنهاست. اشتغال زنان افزون بر اینکه پدیده‌ای چندوجهی است، از ساختارهای روبنایی اجتماعی نیز به‌شمار می‌آید. در نتیجه، پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی برای اشتغال زنان بدون توجه به سلسله علل و عوامل اثرگذار بر آن، امکان‌پذیر نیست. جمهوری اسلامی، در طول حیات خود، صورت‌بندی گفتمانی و معنایی جدیدی را تولید کرده و با تکثیر گفتمان در حوزه‌های مختلف، هم‌جهت با موضع‌گیری‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مطلوب، توانسته خود را بعنوان یکی از گفتمان‌های مطرح بشناساند. در میان گفتمان‌های مختلف، یکی از چالش‌برانگیزترین صورت‌بندی‌های گفتمانی و معنایی شکل گرفته ذیل گفتمان انقلاب، گفتمان شکل گرفته پیرامون زنانگی و مسأله‌های زنان است. با در نظر گرفتن اهمیت حوزه مسائل زنان برای گفتمان رسمی جمهوری اسلامی و نقش مرکزی آن در منازعات گفتمانی میان گفتمان‌های رقیب، می‌توان حل مسائل زنان توسط هریک از گفتمان‌های این حوزه را دارای اهمیتی، به ویژه نمادین، برای آن گفتمان به شمار آورد (ردایی، ۱۳۹۰).

پایان جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت جدید، آغاز گفتمان سیاسی جدیدی در کشور بود. در این میان تاحدودی نگاه‌های حداقلی به موضوع اشتغال زنان متوقف و در سال ۶۸ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شد. در این برنامه بر افزایش سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه به‌خصوص دختران و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی تأکید شده بود. در همین دوران و در سال ۱۳۷۱ بود که «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» تدوین شد. در این برنامه از دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی خواسته شده بود، بگونه‌ای عمل کنند که زمینه‌ساز حضور زنان در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و تولیدی و اصلاح بینش نسبت به اشتغال آنان و ضرورت حضور زنان در مرحله رشد و دوران سازندگی باشد و تلاش برای تغییر نگرش نیروهای سنتی نسبت به اشتغال زنان در این دوره مورد توجه قرار گرفت (رضوی، ۱۳۸۹). در کل روند حاکم بر مسأله زنان و خانواده در برنامه‌های توسعه، در کشور

دارای گسست در خوانش و اجراست. مسأله زنان در کشور ما همواره دستخوش عرصه سیاست بوده و دولت‌ها براساس اهداف و شعارهای خود به حوزه زنان اهتمام ورزیده‌اند (جان‌افزا، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر تمامی برنامه‌ها در کشور از ساختار و قالب تعریف شده‌ای تبعیت نمی‌کنند و هر دولت، براساس سلیقه خود به تدوین برنامه می‌پردازد و در واقع تکلیف مسائل مرتبط با زنان در کشور پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، هنوز مشخص نیست و متأسفانه از یک چشم‌انداز دقیق، متقن و تعریف شده‌ای تبعیت نمی‌کند و این امر منجر شده است که در برنامه‌های توسعه، مسأله زنان هر بار در یک سرفصل تعریف شود؛ گاهی زن در ذیل سیاست‌های اشتغال و گاهی در فرهنگ اسلامی و ایرانی. برای نمونه برنامه توسعه پنجم، توسط دولت اصول‌گرا و تحت شرایط گفتمانی این دوران تدوین شده، ذیل گفتمان توسعه اصول‌گرا و دو برنامه توسعه سوم و چهارم، که به وسیله دولت اصلاح‌طلب و متأثر از فضای گفتمانی حاکم در این دوران تنظیم شده، ذیل گفتمان توسعه اصلاح‌طلب تحلیل خواهد شد. نکته مغفول مانده دیگر اینکه برنامه‌های توسعه (سوم، چهارم) در حوزه‌های مختلف به جزء حوزه زنان با نگاهی به فضای بین‌الملل و لحاظ موقعیت کشور در عرصه جهانی و تأثیرات و تأثرات روابط بین‌الملل و جهان تنظیم شده، اما متأسفانه در مسأله زنان برخلاف تأکیدات مؤکد مقام معظم رهبری، با بی‌توجهی به عملکرد و هجمه فرهنگ غرب اقدام کرده‌ایم و یا

اقدامات ما به صورت کاملاً منفعلانه در عرصه بین‌الملل و تلاش برای استانداردسازی شاخص‌های زن ایرانی ۲۹ با زن غربی رخ داده است و به نوعی در عملکردها، دغدغه‌ای جزء نزدیکی به استانداردها و شاخص‌های بین‌المللی نداشته‌ایم و «نگاه بومی متأثر از واقعیت». خلأ جدی در این مورد محسوب می‌شود. از دیگر نقاط ضعف در برنامه‌های توسعه می‌توان به عدم شفافیت در تشریح مسائل اشاره کرد. در اغلب موارد از عبارات کلی استفاده شده است؛ بنحویکه اصل عبارت مورد وفاق عموم بوده و دارای هیچ نوع شائبه‌ای نیست، اما در ابلاغ و اجرا فاصله زیادی میان گفته و عمل قابل رؤیت است. از سوی دیگر ما در کشور دارای اسناد بالادستی زیادی هستیم که در آنها سیر حرکتی جمهوری اسلامی ایران، اهداف و آرمان‌ها بیان شده است؛ لذا در برنامه‌های توسعه باید دو مطلب مهم لحاظ شود: (۱) برنامه‌ها، منطبق و هم‌سو با اسناد بالادستی تهیه و تنظیم شود و از تکرار یا تغییر جلوگیری به عمل آید؛ (۲) برنامه‌های توسعه از تعریف برنامه‌ها در قالب اسناد بالادستی خودداری کرده و به صورت خرد با ارائه مکانیسم‌های اجرایی برنامه‌های خود را تعریف کنند.

نکته دیگر در برنامه‌های توسعه، نبود نگاه آسیب‌شناسانه در تنظیم برنامه‌هاست. برای نمونه اهتمام برنامه سوم و چهارم به مسأله اشتغال زنان بدون کم‌ترین توجهی به زیرساخت‌ها صورت پذیرفته است و مطمئناً با وجود این نواقص، برنامه ششم نمی‌تواند مدعی بازگشت به برنامه‌های گذشته باشد، که اگر چنین باشد، اتفاقی جزء پس‌روی در مسأله زنان رخ نخواهد داد. شاید ریشه این مسائل در عدم شناخت دقیق از مسأله

باشد؛ چراکه در عرصه سیاست‌گذاری و تدوین برنامه، نخستین گام شناخت دقیق مسأله با تمامی ابعاد آن است تا در ذیل این شناخت، به ارائه راه‌حل و تصمیم‌گیری پرداخت؛ در غیر این صورت، مانند چهار دهه گذشته، مسائل زنان دستخوش قرابت‌های شخصی و گروهی و عملکردهای سیاسی خواهد ماند. نکته دیگر که شاید بتوان بعنوان یک نقطه شروع جدید از آن یاد کرد، توجه به گفتمان ایجاد شده توسط رهبر انقلاب در عرصه علم و پیشرفت و رشد و تعالی کشور به جای توسعه است. ایشان با تأکید بر مفهوم پیشرفت به جای توسعه، معتقدند که توسعه با شاخص‌های غربی، مطلوب و مدنظر جمهوری اسلامی ایران نیست؛ لذا دولت‌مردان در تنظیم و تدوین برنامه‌های توسعه، باید به دنبال بومی‌سازی این مفهوم باشند. درحقیقت برنامه‌نویسان در تنظیم برنامه‌های توسعه باید به وجود فاصله و تفاوت در محتوا و روش میان توسعه غربی و پیشرفت بومی قائل باشند تا بتوانند قرائت درستی از مسأله زنان و خانواده داشته باشند و الگوی زن مسلمان را به دنیا عرضه دارند. در نهایت انتظار می‌رود برنامه ششم توسعه با توجه جدی به برنامه‌های گذشته، با رویکردی آسیب‌شناسانه تنظیم شود (نیک‌پور قنواتی، ۱۳۹۱). در ادامه به توضیحات مفصلی درباره حضور زنان و جایگاهی که در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی برای جایگاه سیاسی زن تعریف شده است خواهیم پرداخت.

۳۰

۱- زنان در ایران باستان

زنان در طول تاریخ ایران دارای جایگاه و ارزش بوده‌اند تا آنجا که در کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) هیچ مردی از لحاظ اخلاقی و مذهبی بر زنان ارجحیت ندارد و شعار اصلی زرتشتیان یعنی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک برای مردان و زنان توصیه شده است. خصائل زن خوب، پارسا و با عفت شعار اصلی زرتشتیان بوده است. به جرأت می‌توان گفت زن در ایران قبل از اسلام و در دوره ساسانی جایگاه بسیار بالایی داشته و بعنوان یکی از اعضاء مهم جامعه در مسائل مختلف شرکت می‌کرده است بگونه‌ای که گاه تصمیم‌گیری‌های نهایی را انجام داده است. زنان در ایران باستان دارای آنچنان ارزش و شخصیتی بودند که حتی در میان ادیان جایی باز کرده بودند و بزرگ و ستودنی قلمداد می‌شدند، چنانچه در آئین زرتشت یک روز از سال به نام روز زن نامگذاری شده است (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰).

۲- جایگاه زن در اسلام

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری‌طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد.

این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم» (حجرات/۱۳). ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. در اسلام زنان چون مردان در مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاهی مناسب دارند و از حرکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های گروهی ممنوع نگردیده‌اند، بلکه طبق مسلمات قرآنی و حدیثی مسئولیت‌های اجتماعی بسیار بطور یکسان متوجه مرد و زن است. البته تکلیف جهاد ابتدایی و جنگ تهاجمی از زنان برداشته شده است. قرآن می‌فرماید: مردان مومن و زنان مومن برخی بر برخی ولایت «سرپرستی» دارند، به معروف یکدیگر را امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند، خدا اینان را رحمت خواهد کرد (توبه/۱۷). در این فرموده خداوند، زنان چون مردان دارای مسئولیت‌های بزرگ ولایت اجتماعی می‌باشند، از این رو به هدایتگری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها در همه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و حقوقی می‌پردازند. با گسترده‌ی مفهوم منکر و معروف در اسلام گستره دخالت‌های اجتماعی زن روشن می‌شود. بنابراین در همه عرصه‌هایی که مردان دخالت می‌کنند، زنان نیز می‌توانند دخالت کنند مگر موارد استثنایی. از طرف دیگر، هدایت تشریحی، عام و گسترده است و به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر کس ۳۱ می‌تواند از این دریای رحمت الهی حظ و بهره‌ای ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را هموار سازد. خداوند متعال می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان/۳). ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس». پس اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد. شهید مطهری؛ پیرامون این موضوع چنین می‌گوید: «اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست».

۳- گفتمان زنان در جمهوری اسلامی

هدف نظریه گفتمان فهم و روشن کردن ظهور و منطق گفتمان‌ها و هویت‌های برساخته شده اجتماعی است که گفتمان‌ها به کارگزاران اجتماعی اعطا می‌کنند. بنابراین با استفاده از ابزارهای گفتمانی هر پدیده اجتماعی را می‌توان تحلیل کرد. ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌ها و چالش‌های دائمی اجتماعی بر سر تعاریف و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به دنبال دارد. گفتمان‌ها در ایران در یک مسیر دیالکتیکی شکل می‌گیرند بطوریکه هریک از گفتمان‌ها بعنوان نظام معنایی جدید حاصل سنتز

گفتمانی هستند. از این منظر، گفتمان انقلاب اسلامی حاصل دیالکتیک گفتمان سنت و تجدد است. به سخن دیگر می‌توان گفت که تاریخ معاصر ایران عرصه نزاع و رقابت دو گفتمان سنت و تجدد بوده است و مسأله زنان نیز به همین نسبت تحت تأثیر رقابت گفتمانی بین سنت و تجدد قرار گرفته و سوژه زنان به یکی از پرمناقشه‌ترین سوژه‌ها در نظام‌های معنایی هریک از این گفتمان‌ها بدل شده است.

جمهوری اسلامی ایران، بعنوان نظام سیاسی اجتماعی برآمده از دل این انقلاب، از عصر ظهور و برآمدن تا به امروز شاهد پیدایی خرده گفتمان‌های سیاسی متفاوتی همگام با اوج‌گیری ایدئولوژی‌های چیره در ساختار خود بوده است. در واقع جمهوری اسلامی ایدئولوژی‌های کلانی دارد که درون آن ایدئولوژی‌های خردتری^۱ (خرده گفتمان/خرده پارادایم) امکان حیات و نقش‌آفرینی یافته‌اند. این خرده گفتمان‌ها با قرار گرفتن در سایه ابرگفتمان انقلاب اسلامی (گفتمان سنتی تعدیل شده در تخاصم با گفتمان سنت و تجدد بعنوان گفتمان‌های پیشین آن) موضوعیت پیدا می‌کنند و با بهره‌گیری از گفتمان‌های سنت و مدرن با نسبت‌های متفاوت، رویکردهای متفاوت و گاه متعارض به هریک از سوژه‌های درون ابرگفتمان حاکم دارند و با ارائه نگاه ویژه خود نسبت به دال‌های تثبیت شده گفتمان انقلاب اسلامی، تعریف خاص خود را از این ابرگفتمان ارائه می‌کنند.

کشور ایران هم در ادوار مختلف دستخوش تغییرات سیاسی اجتماعی بوده که در آن مسأله زنان و جایگاه آنان در اجتماع نیز از گزند این تغییرات در امان نبوده و جایگاهشان در جامعه همواره فراز و فرودهایی داشته است. حتی از دو دهه گذشته مفهوم موقعیت زنان از نظر تحصیل و پایگاه اجتماعی اقتصادی فراتر رفته و به دستیابی آنان در کنترل منابع و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده انجامیده است. با وجود این مسائل، امروزه جایگاه زنان در جمهوری اسلامی ایران با ظهور و بروز یک تحول گفتمانی همراه بوده که با تحلیل این گفتمان‌ها، قابل شناسایی است. چراکه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، انجام تحولات شگرف در حوزه زنان است که زمینه را برای فعالیت‌های سالم و تأثیرگذار در بخش‌های مختلف اجتماعی،

^۱ برخلاف این دیدگاه، بشیریه (۱۳۸۲) معتقد است بعد از رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی، کاریزمایی که نقش دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را ایفا می‌کرد و به نظام معنایی این گفتمان انسجام می‌بخشید، جایش خالی شد و دیگر کسی نمی‌توانست این نقش منحصر به فرد را برعهده گیرد. بنابراین زمینه برای نمودار شدن اختلاف و شقاقی که پیش از این بین سنتی و چپ سنتی وجود داشت، آماده گردید. بعد از فوت که از ویژگی‌های شاخص رهبر فقید «ولایت فقیه» کاریزما، مفهوم و دال مرکزی خرده گفتمان راست «نهاد ولایت فقیه» انقلاب بود، به سنتی بدل شد و بدین ترتیب گفتمان‌های مستقل و متعارض اصلاح‌طلبی ولایت و گفتمان اصول‌گرایی با دال مرکزی مردم با نقطه مرکزی تشکیل شدند؛ ما به این علت رویکردهای فکری متفاوت حاضر در فقیه ساحت سیاست ایران را خرده گفتمان می‌گوییم که این رویکردها تحت استیلای ابرویکردها حاکم (انقلاب اسلامی) و دال مرکزی آن (ولایت مطلقه فقیه) هستند و صرفاً نظام‌های معنایی متفاوت و نه متعارض را نمایندگی می‌کنند. لذا نشانگان معنایی آنها باید در راستای ابرگفتمان مسلط باشد؛ در غیر این صورت، این رویکردهای نظری به مثابه رویکردهای غیر و دشمن‌واسازی و از مدار قدرت خارج می‌شوند.

فرهنگی، سیاسی و غیره مهیا کرد تا نیمی از جمعیت کشور بتوانند با حفظ کرامت خود، نقش موثری در شکل‌گیری نهادها و دستگاه‌های مختلف اجرایی و نهادهای قانونگذاری داشته باشند (آل‌غفور، ۱۳۸۷: ۳).

۴- مشارکت سیاسی زنان

مشارکت سیاسی زنان به اشکال مختلف مانند تشکیل جمعیت‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مختلف، چه گروه‌هایی که بطور مستقیم به دنبال اهداف سیاسی و به دست آوردن قدرت هستند و چه گروه‌هایی که به صورت پنهان فعالیت می‌کنند صورت می‌پذیرد. مشارکت زنان در گروه‌های پنهان مانند گروه‌های علمی تحقیقی یا عام‌المنفعه که بطور غیرمستقیم با تأثیرگذاری بر سیستم سیاسی در تعیین سرنوشت جامعه نقش دارند ظاهر می‌گردد. مشارکت سیاسی زنان زمانی به معنای واقعی ظاهر می‌گردد که مشارکت آنان خودجوش، رقابت‌آمیز، گروهی، سازمان یافته و مبتنی بر ایدئولوژی مناسب با افکار عمومی جامعه باشد. در صورتی که مشارکت زنان در زندگی سیاسی به تحریک گروه‌های اجتماعی دیگر (به ویژه مردان) صورت پذیرد، غیررقابتی بوده و هنگامی که برای تأیید مواضع قدرت مستقر انجام شود فردی و پراکنده باشد یعنی به صورت جنبش گروهی و سازماندهی جمعی صورت نگیرد و به ویژه بر وفق علایق و اخلاقیات مردان ظاهر شود یعنی مبتنی بر ایدئولوژی کاذب مردانه باشد، مشارکت سیاسی زنان به معنای واقعی نخواهد بود (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۹).^{۳۳}

مشارکت سیاسی این امکان را به زنان می‌دهد که در فرایند شکل‌گیری سرنوشت خود نقش فعال ایفاء کنند. مشارکت سیاسی زنان هم بعنوان یک هدف و هم بعنوان یک ابزار، قابل بررسی است.

به دلیل آنکه مشارکت در شکل حاضر خود از غرب به سراسر جهان گسترش پیدا کرده است. مسئله توجه متفکران به حضور زنان در سیاست می‌تواند بعنوان یک عامل محیط بین‌الملل بر وضعیت مشارکت سیاسی موثر باشد. که در اینجا، به اجمال به آنها می‌پردازیم. یک ارزیابی کلی از نظریات این متفکران، نشانگر حقیقت انکارناپذیر و در بعضی مواقع تنفر آنها از حضور زنان در سیاست است. به نظر متفکران منطق ناکافی، ویژگی‌ها و توانایی‌های روحی و سیاسی زنان را از اینکه یک شهروند سیاسی کامل باشند، دور نگاه داشته است. نویسندگان متأخری مانند لیندالانژ و لورن کلارک^۱ که تحقیقات وسیعی درباره جایگاه زنان در اندیشه سیاسی غرب دارند، معتقدند که تاریخ نظریه سیاسی بطور مطلق در توجه به دیدگاه طرفداران حقوق زن شکست خورده است. آنها می‌گویند که برعهده طرفداران حضور زنان در عرصه سیاست است که با فراهم کردن نظریاتی که نشانگر درک عمیق از زنان در وضعیت تاریخی‌شان باشد، نقصان را جبران کنند.

^۱ Linda longe

^۲ Loren clarck

از قرن هفدهم آغاز لیبرالیسم، حقوق سیاسی در نظریات متفکران دیده می‌شود. اما این حقوق متعلق به افراد بالغ و روسای خانواده‌ها بود. لاک در بیان قدرت سیاسی آن را از قدرت خانه جدا می‌کند. نظارت لاک نیز یک فیلسوف متقدم در نظریات فردگرای لیبرال در مفهوم جهانی خود است، درباره رابطه بین زنان و سیاست کاملاً روشن نیست. از نظر طرفداران او، نظریه لاک قدرت آن را دارد که تکوین یابد و به زنان فرصت همکاری در زندگی سیاسی همچون مردان را بدهد. نکته اصلی دور این است که لاک می‌گوید: زنان نیز مانند مردان می‌توانند همچون مردان تحصیل کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. بنابراین، سرنوشت سیاسی آنها را تنها طبیعت تعیین نمی‌کند. از دیدگاه لاک، لیبرال‌ها باید تحت فشار قرار گیرند تا نگرش خود را نسبت به زنان در راستای نظریه خود از طبیعت بشری تغییر دهند. از نظر هابز، طبیعت زنان و مردان مشترک است. زنان مانند مردان آزاد به دنیا می‌آیند و مساوی مردان هستند. اما، سپس سلطه مردان بر زنان در جامعه مدنی رخ می‌دهد. مهم است که چرا از تساوی جنسی در وضعیت طبیعی به حکومت پدرسالاری در جامعه مدنی می‌رسیم. تمام زنان در وضعیت طبیعی از سوی مردان تحت سلطه قرار می‌گیرند و به هیأت خدمتکاران خانواده در می‌آیند. با از دست رفتن وضعیت آزادی و مساوی این افراد، زنان مشارکتی در قرارداد طبیعی ندارند و مردان خود اقدام به قرارداد ازدواج مبتنی بر پدرسالاری می‌کنند و صلاحیت مشروع مردان نسبت به زنان در جامعه مدنی به وجود می‌آید. ژان ژاک روسو متفکر دیگری است که می‌توان از عقاید او درباره زنان صحبت کرد. بسیاری او را دارای یک عقیده پایدار درباره تفاوت جنسیت‌ها نمی‌بینند، می‌توان گفت که نظم سیاسی در نظریه، روسو می‌طلبد که زندگی اجتماعی نشانگر نظم جنسیتی طبیعت باشد. تعلیم و تربیت مردان متفاوت باشد و زنان خانواده را بعنوان پایه دولت حفظ کنند. او خطاب به زنان می‌گوید: «همه جنس شما بر ما حکومت می‌کند، اما تنها بعنوان همسر و مادر، نه بعنوان شهروندان».

۳۴

۵- حضور زنان در جمهوری اسلامی ایران

اولین دولت ۸ ساله ایران و جای خالی زنان در مهر ماه ۱۳۶۰، اولین دولت ۸ ساله ایران استقرار یافت. دولتی که با لیستی ۲۳ نفره از وزیران برای تایید صلاحیت، راهی مجلسی می‌شد که در اولین دوره، ۴ زن را در قامت نمایندگی به خود می‌دید، هیچ پستی را برای حضور بانوان در نظر نگرفت تا سیاست، چهره مردانه خود را از همان آغاز انقلاب نشان دهد. «میرحسین موسوی نخست وزیر، برای برگزیدن زنان در کابینه خود، فرصت دیگری غیر از وزارت هم داشت، اما هر چهار معاونت او نیز با مهرهای مردانه چیده شدند تا سومین دولت ایران بدون حضور زنان اداره شود. در دوره‌ای که جنگ هشت ساله ایران و عراق اوضاع سختی را بر کشور حاکم ساخته بود شرایط بگونه‌ای رقم می‌خورد که تنها استفاده از نیروی مردانی که سابقه اجرایی داشته‌اند بتواند کشور را در مسیر اهداف خود قرار دهد. البته تاکید بر «نقش پررنگ زنان» در پیروزی انقلاب

اسلامی و پس از آن در دفاع مقدس که بارها از سوی مسئولان حکومتی مطرح می‌شد. دولت دوم موسوی هم همچون دولت اول او، جایی برای زنان نداشت. این دولت که در سال ۶۴ شکل گرفت، با ترکیبی تقریباً مشابه دوره قبلی، آغاز بکار کرد تا نخست وزیر وقت وعده حضور زنان در کابینه را به مدت ۲۴ سال به تأخیر بیندازد. سال ۸۸ و همزمان با کاندیداتوری مهندس موسوی، حضور وی در تمامی برنامه‌های تبلیغاتی در کنار همسرش «زهره رهنورد» اعلان آمادگی او برای حضور زنان در کابینه‌اش بود که البته به جایی نرسید. شاید زنان ایرانی خیلی خوش‌شانس بودند که دختران هاشمی رفسنجانی، نقشی در سیاست‌گذاری‌های پدر داشتند. مرداد ۶۸، زمانیکه کرسی ریاست جمهوری به «اکبر هاشمی رفسنجانی» تحویل داده شد، او اولین درخواست را از سوی دخترش فاطمه دریافت کرد. درخواستی که هرچند برای اجرایی شدنش دو سالی را زمان صرف کرد، اما در نهایت به تاسیس «دفتر امور زنان» در نهاد ریاست جمهوری انجامید. در جائیکه «شهلا حبیبی» بعنوان مشاور رئیس جمهوری ایران، ریاست آن را برعهده گرفت. سمت‌های دیگری هم بودند که دولت سازندگی ترجیح را بر نصب زنان در ریاست آنها دانست. از همین‌رو، رئیس کمیته ملی المپیک به «فائزه هاشمی» رسید، مدیرکل بهداشت خانواده در معاونت بهداشتی وزارت بهداشت سهم «فاطمه رمضانزاده» شد و «معصومه ابتکار» هم ریاست سازمان‌های مردم‌نهاد زنان را برعهده گرفت (نونبخش، ۱۳۹۰).

۳۵

اگرچه باوجود همه این عناوین، وزارتخانه‌ها باز هم با مدیریت مردان اداره می‌شد، اما مبدا حضور زنان در امور کشورداری را باید همین زمان دانست. موضوعی که نتوانست رضایتمندی زنان دولت سازندگی را جلب کند، عدم حضورشان در جلسات هیات دولت بود. آنجا که آنان تنها برای اقدامات در دست اجرای خود حق حضور در کابینه آن هم بدون حق رای را داشتند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر دولت سازندگی برای سیاستمداران زن ایرانی، آغازگر حضور در صحنه اجرایی کشور بود، دوره اصلاحات ارتقا جایگاه آنان را رقم زد. «سید محمد خاتمی» با پیروزی در انتخابات دوم خرداد ۷۶، در هفتمین دولت پس از انقلاب، جایگاه به مراتب خوبی را برای زنان ایرانی در دولت در نظر گرفت. اگرچه در لیست وزرای او نامی از هیچ زنی برده نشد، اما برای اولین بار دو صندلی در جلسات هیات دولت به دو زن تعلق گرفت. رئیس دولت اصلاحات در اولین گام، ریاست یکی از مهمترین سازمان‌های دولتی را به یک زن سپرد. «معصومه ابتکار» که سابقه حضور در دولت هاشمی را هم داشت، بعنوان رئیس سازمان محیط زیست به جمع اعضای کابینه هفتم راه یافت و کمی بعدتر، معاون زنان ریاست جمهوری هم به آنها اضافه شد. رئیس دولت اصلاحات در حکمی که برای «زهره شجاعی» صادر کرد، بر حضور مستمر او در جلسات هیات دولت تأکید کرد تا بیش از پیش به تحقق شعارهای انتخاباتی خود نزدیک شود. دوره دوم دولت اصلاحات نیز با همین تعداد از زنان در کابینه آغاز شد.

اگرچه عملکرد ابتکار و شجاعی موجب شد که برای یک دوره چهارساله دیگر در سمت‌های خود باقی بمانند، اما نتوانست هیچ تغییری در لیست اعضای کابینه بدهد. به این ترتیب دولتی که همواره بر نقش زنان تاکید داشت، اگرچه جایگاه خوبی را برای آنان در نظر گرفت و شرایط حضور آنان در کابینه را برای اولین بار در تاریخ پس از انقلاب فراهم ساخت، اما این ریسک را بر جان خود نخرید تا اولین انتخاب وزیر زن، در کارنامه دولت بعدی بدرخشد. مرداد ۸۴، در جلسه رای اعتماد به وزرا، نام هیچ زنی شنیده نشد تا همچنان مردان، یکه‌تاز عرصه کشورداری در ایران باشند. «محمود احمدی‌نژاد» نه تنها قدم مثبتی در جهت روی کار آمدن زنان در کابینه خود برداشت بلکه با تلاش بر وضع قوانینی چند، همچون دورکاری- سعی داشت تقریباً زنان را از مسئولیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی دور کند. اگرچه در این میان معاونت سازمان محیط زیست سهم «فاطمه واعظ جوادی» شد تا همچون دو دوره گذشته این معاونت نیز به دست زنان سپرده شود. اما دوره چهار ساله اول دولت احمدی‌نژاد، بکلی با دوره چهار ساله دوم او تفاوت داشت. او که حالا از فراز و نشیب‌های انتخابات پر سر و صدای ۸۸ سر بیرون آورده بود، در اقدامی حیرت‌آور، «فاطمه آجرلو»، «سوسن کشاورز» و «مرضیه وحید دستجردی» را به ترتیب بعنوان وزرای پیشنهادی، رفاه و تامین اجتماعی، آموزش و پرورش و بهداشت و درمان به مجلس معرفی کرد، اما در این میان تنها «مرضیه وحید دستجردی» بود که به دلیل سوابق روشن و همچنین نام نیک خانواده و پدرش راهی جلسات پاستور شد. به این ترتیب پنج شنبه ۱۷ مرداد ۸۸، اولین و تنهاترین وزیر زن در تاریخ پس از انقلاب، و سومین وزیر زن در تاریخ ایران، با کسب ۱۷۵ رأی موافق، ۸۲ رأی مخالف و ۲۹ رأی ممتنع به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی راه یافت. انتخاب احمدی‌نژاد تنها به همین یک وزارتخانه هم ختم نشد. او اگرچه برای جایگزینی «سوسن کشاورز»، «فاطمه آلیا» را معرفی کرد، اما با کناره‌گیری وی، باید افزایش شمار وزرای زن در کابینه دهم را فراموش می‌کرد. معاونت‌ها اما جای خوبی برای گزینه‌های موردنظر احمدی‌نژاد بودند. او «نسرین سلطانه‌خواه» را بعنوان معاونت علمی و فناوری برگزید تا شمار زنان کابینه را به دو برساند. او در ادامه راه همچنین «فاطمه بداعی» را بعنوان معاون حقوقی‌اش برگزید. «حسن روحانی» در تمامی روزهای تبلیغات انتخاباتی‌اش آنچنان از حقوق شهروندی حرف می‌زد که همه را در انتظار تماشای تفاوت‌های دولت او با سایر دولت‌ها نگه داشت. انتظاری که البته با این جمله معروف او که «زنان نباید به داشتن یک وزیر زن راضی شوند»، بالا گرفت، سیاستمداران زن را امیدوار به معرفی حداقل ۵ وزیر زن به مجلس کرد، اما با پیروزی او در انتخابات خرداد ماه هم هیچ تغییری در جنس کابینه رخ نداد تا در بیست و هشتمین روز از مرداد ۹۲، تاریخ باز هم برای زنان ایران تکرار شود. در لیست ۱۸ نفره وزیران روحانی، خبری از هیچ زنی نبود تا باز هم معاونت سازمان محیط زیست، جور همه بی‌اعتمادی‌ها به زنان ایران را بکشد. «معصومه ابتکار» با بازگشت به صندلی خود در طبقه نهم ساختمان پارک پردیسان، باید در کنار «شهین دخت مولاردی» معاون امور زنان و «الهام امین‌زاده» معاون

حقوقی رئیس جمهوری، جای خالی چندین سیاستمدار زن ایرانی را پر می‌کردند. اما نگاه به زنان در دولت یازدهم، با انتخاب همین سه سمت پایان نمی‌گیرد. حال که در هر دولتی جدال بین اولین‌هاست، انتخاب «مرضیه افخم» بعنوان سخنگوی وزارت امور خارجه و پس از آن، سفیر ایران در مالزی خود به اول شدن «حسن روحانی» در بین دولت‌های پس از انقلاب کمک می‌کند. اگر همه دولت‌ها در ابتدای مسیر کشورداری به چپ‌نش زنان سیاستمدار اقدام می‌کردند، دولت یازدهم در میانه راه هم از فرصت جابجایی‌ها نهایت استفاده را کرده و با معرفی «زهره احمدی‌پور» سکان سازمان گردشگری را به او سپرد تا تعداد زنان کابینه یازدهم بیش از سایر کابینه‌های پس از انقلاب شود. البته تقریباً در تمامی دولت‌هایی که از حضور زنان در جمع دولتی‌ها و کابینه استفاده کرده‌اند، موضوع بهره‌گیری از بانوان در جایگاه‌هایی همچون وزارت، معاونت رئیس جمهور، روسای دستگاه‌ها و سازمان‌ها، فرماندار و ... بیشتر بعنوان یک ژست و پز سیاسی برای دولت‌ها مطرح بوده و آنان سعی کرده‌اند که از این طریق نظر مثبت زنان جامعه را به خود جلب کنند و از رأی آنان نیز بهره بگیرند؛ به نظر می‌رسد پروسه انتخاب زنان برای مسئولیت‌های دولتی حال در هر جایگاهی باید مبتنی بر تخصص و توانمندی آنان باشد، بگونه‌ای که بتوان برای جامعه زنان این انتصاب‌ها را یک افتخار و عملکرد مثبت و ویژه تلقی کرد، نه اینکه در نظر گرفتن چنین جایگاه‌هایی برای آنان با تصور رأی آوری باشد (خادمی، ۱۳۹۵).

۶- گفتمان جایگاه زنان در دولت احمدی‌نژاد

دولت احمدی‌نژاد رکورددار استفاده از بانوان در امور سیاسی است. با وجود تمام انتقادهایی که به ریاست جمهوری احمدی‌نژاد وارد است اما او در دوران دوم دولتش در افزایش پست مدیریتی زنان گام‌های بلندی برداشت. در دوران احمدی‌نژاد تعداد بانوان در هیات دولت بیشتر شد. دولت‌های اول و دوم محمود احمدی‌نژاد به‌زعم بسیاری از تحلیلگران سیاسی دو دولت متفاوت از یکدیگر بود، چنانچه اصولگرایان که از حامیان اصلی احمدی‌نژاد در ایام انتخابات سال ۸۴ بودند و در سال‌های آغازین از در همراهی بی‌چون و چرا با او درآمدند در یک سال آخر دولت نهم و در ۴ سال دولت دهم انتقادات زیادی را روانه دولت کردند. تلاش برای ورود زنان به استادیوم، کم‌توجهی به اجرای قانون عفاف و حجاب و معرفی وزیر زن به از جمله اقدامات حاشیه‌ساز و انتقاد برانگیز رئیس دولت‌های نهم و دهم بود. رئیس نهم پاستور، که بیشتر بر حضور بانوان در خانه تأکید می‌کرد تا جائیکه برای تحقق این هدف موضوع کاهش ساعت کاری زنان را مطرح کرد تا با تکیه بر هر روشی حضور بانوان را در جمع خانه و خانواده پر رنگ‌تر کند. در دومین دوره ریاست‌اش نگاهش را به یکباره تغییر داد و دست به کار معرفی وزیر زن به مجلس شد. اقدامی که با واکنش‌های انتقادی زیادی از

سوی علما و مراجع روبرو شد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۰). تلاش احمدی‌نژاد برای به کرسی نشاندن این ایده که برخی آن را اقدامی شعاری می‌دانستند در نهایت چندان مطابق میل او پیش نرفت و از میان سه زن معرفی شده به مجلس، تنها «مرضیه وحید دستجردی» به دلیل سابقه اجرایی مثبت و موفقش توانست موافقت نمایندگان مجلس را جلب کند و در کابینه سراسر مردانه دولت جا گیرد و نام خود را بعنوان اولین وزیر زن بعد از انقلاب و سومین زن دولتمرد تاریخ ایران ثبت کند. سوسن کشاورز و فاطمه آجرلو که برای سمت وزارت آموزش و پرورش و وزارت رفاه به مجلس معرفی شده بودند، تنها رای منفی نمایندگان را به خود دیدند. اما احمدی‌نژاد مردی نبود که پشت به تصمیمات خود کند، شاید از همین‌رو بود که در اقدامی یک گام به عقب راه ورود زنان به برخی معاونت‌ها را باز کرد، معاونانی که برخی چون آزاده اردکانی رئیس بازداشت شده موزه ملی پرحاشیه و برخی چون مینو کیانی‌راد معاون ارزی بانک مرکزی بی‌نام و نشان بودند. در زیر به برخی سمت‌های زنان دولت‌های نهم و دهم و اقدامات آنها اشاره شده است؛ نسرين سلطان‌خواه بعنوان معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، سوسن کشاورز رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی، فاطمه بداغی معاون رئیس جمهور در امور حقوقی، مریم مجتهدزاده مشاور و رئیس مرکز امور زنان و خانواده از جمله زنانی بودند که در هیات دولت حضور داشتند. زهره طبیب‌زاده نوری که هم اکنون نماینده مجلس است نیز در اواخر دولت نهم به سمت مشاوره رئیس جمهور و رئیس مرکز امور زنان و خانواده برگزیده شد.

احمدی‌نژاد همچنین سه بانو را برای اینکه بر کرسی وزارتخانه‌ها تکیه بزنند به مجلس معرفی کرد که تنها یک نفر از آنها توانست رای اعتماد بگیرد. فاطمه آجرلو، سوسن کشاورز و مرضیه وحید دستجردی بعنوان گزینه‌های احمدی‌نژاد برای تصدی پست‌های وزارت رفاه، وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش معرفی شد اما نهایتاً تنها وحید دستجردی بود که از مجلس رای اعتماد گرفت و نام خود را بعنوان اولین وزیر زن پس از انقلاب ثبت کرد. شاید از اولین‌های پرحاشیه دولت دهم حضور «وزیر زن» در درون کابینه بود. مرضیه وحید دستجردی تنها بانویی بود که توانست رای بهارستان‌نشینان را برای تصدی وزارت بهداشت کسب کند و تابوی حضور وزیر زن در کابینه را بشکند. حضور دستجردی در وزارت بهداشت گرچه بی‌عیب و نقص نمود اما عملکرد وی در بسیاری موارد مورد تایید کارشناسان و متخصصان حوزه سلامت قرار گرفت. اما دستجردی همچون برخی وزرای مرد کابینه تا پایان دولت ماندگار نشد و انتقاداتش به رویکردهای دولت در حوزه بهداشت در نهایت به عزل او منجر شد. پیگیری طرح پزشک خانواده از مهمترین اقدامات او است. البته احمدی‌نژاد با دستجردی به مشکل خورد و در نهایت او را برکنار کرد. وزیر بهداشت دولت دوم احمدی‌نژاد انتقادهایی نسبت به اختصاص ندادن ارز دولتی برای مصارف پزشکی و دارویی مطرح کرد که رئیس‌جمهور آن را تکذیب کرد اما در نهایت تنها وزیر زن کشور سال ۹۱ به دستور احمدی‌نژاد عزل شد. این رفتار احمدی‌نژاد باعث شد تا تمام اقدامات او برای افزایش حضور زنان در دولت نادیده گرفته شود. مریم

مجتهدزاده؛ همسر یکی از دیپلمات‌هایی که در سال ۶۱ در لبنان ربوده شد، آخرین رئیس مرکز امور زنان در دولت محمود احمدی‌نژاد بود. خانواده و تحکیم آن مهمترین برنامه‌های وی در دوران ریاست‌اش بر این مرکز بود. ستاد ملی زن و خانواده را در این مرکز تشکیل داد و پیشگیری از فروپاشی و تزلزل، کاهش و کنترل آسیب‌ها و کاهش پیامدهای ناشی از طلاق در کشور را از اهداف اختصاصی آن دانست. بیمه مهریه، دورکاری زنان، افزایش مرخصی زایمان برای زنان کارمند از سه ماه به ۹ ماه و استخدام دو زن در یک پست به صورت نیمه وقت با حقوق و مزایای نیمه از طرح‌هایی بود که در چهار سال گذشته از سوی او و کارکنانش در مرکز امور زنان مطرح شد. تدوین سیاست‌های مربوط به افزایش جمعیت و افزایش انگیزه‌های باروری نیز یکی از دیگر طرح‌هایی است که در چهار سال گذشته بطور جدی در این مرکز دنبال شد. مسئولان این مرکز حتی لایحه مرخصی سه ساله به دانشجویانی را که مادر می‌شوند، تصویب کردند و بعد از آن هم گفتند که به ازای هر فرزند، به مادران شاغل یک سال سنوات داده می‌شود. مجتهدزاده تصویب لایحه «تقلیل ساعت کاری زنان شاغل از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت در هفته» را همیشه جزء افتخارات‌اش می‌داند. لایحه‌ای که یک بار دولت آن را رد کرد، اما دوباره در هیات وزیران طرح و با آن موافقت شد. بسته تشویقی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای افزایش جمعیت، یکی از دیگر طرح‌هایی بود که سال گذشته مرکز امور زنان پشت آن ایستاد؛ بسته‌ای که موارد متعددی را برای زنانی که مادر می‌شوند در نظر گرفته بود؛ از هدایای نقدی و سکه ۳۹ گرفته تا تسهیلات شغلی و وام مسکن؛ تشویق‌هایی که به دلیل معلوم نبودن محل تامین اعتبار آنها، هنوز تکلیف اجرایی شدن یا نشدن آنها اعلام نشده است. همچنین یکی از سیاست‌هایی که در دوره چهارساله مرکز امور زنان به ریاست مریم مجتهدزاده مانند دولت نهم دنبال شد، حذف بعضی از رشته‌ها برای زنان در دانشگاه‌ها بود؛ موضوعی که با حمایت مسئولان مرکز امور زنان سال گذشته باعث شد تا ۱۴ رشته دانشگاهی برای دختران از دانشگاه‌های کشور حذف شود و بعد از آن مجتهدزاده در پاسخ به تمام انتقادهایی که در اینباره وجود داشت، فقط یک جمله را بر زبان آورد: قانونی است. فاطمه بداغی؛ بانوی حقوقدان دولت که برخی نسبتش با محمد علی حجازی (همسر) دبیر و عضو هیات نظارت بر اجرای قانون اساسی را دلیل انتخاب او بعنوان مشاور حقوقی احمدی‌نژاد می‌دانند. معاونت حقوقی در دوره احمدی‌نژاد از معاونت پارلمانی منفک شده بود. از مهمترین اقدامات او تعقیب قضایی منتقدین دولت در سال ۸۹ بود. تا جائیکه در همان سال بعضی از رسانه‌ها به خاطر پیگیری‌های بداغی برای ۶ شکایت رئیس جمهور، با کنایه به معاونت‌اش «معاونتی برای شکایت از منتقدان» نامیدند. نسرين سلطانخواه؛ از معدود بانوانی که تا روزهای آخر دولت احمدی‌نژاد در کنار رئیس دولت بود. او در دولت دهم جایگزین صادق واعظزاده در معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری شد. آنطور که خودش گفته معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری با ریاست او با حمایت از

شرکت‌های دانش بنیان، حمایت از طرح‌های کلان محصول محور و با تدوین آئین‌نامه پسادکتری بستری را برای حمایت و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فراهم کرد. مینو کیانی‌راد؛ بانوی اقتصاددان دولت که از سال ۹۰ به سمت معاون ارزی بانک مرکزی درآمد و شاید اولین زنی که در تاریخ ۵۱ ساله بانک مرکزی به هیات عامل این بانک راه یافته است. او تا قبل از راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی حضورش در عرصه رسانه‌ها نیز پررنگ شد، اما بهمن ماه سال گذشته بود که شنیده‌ها حکایت از استعفای او در پی بروز نوسانات شدیدی در بازار ارزی کشور می‌داد. آزاده اردکانی؛ معلم مشایی چون خود او پرحاشیه بود. او در سال ۱۳۸۸ از سوی حمید بقایی، رئیس آن زمان سازمان میراث فرهنگی به ریاست موزه ملی ایران گماشته شد. اردکانی با پنج سال سابقه کاری در سازمان میراث فرهنگی پس از انتصابش به معاونت موزه ملی ایران مدیر این موزه شد. فرحناز ترکستانی؛ از دیگر زنانی بود که حضورش در دولت با حواشی همراه شد. آنجا که احمدی‌نژاد تلاش کرد بعد از بروز اختلافات با مهرداد بذریچاش یک زن را جایگزین وی در ریاست سازمان امور جوانان کند. صدور حکم انتصاب ترکستانی برای ریاست سازمان ملی جوانان از سوی رئیس جمهور انتقاداتی را سبب شد و در نهایت بعد از ۱۰ روز ترکستانی ریاست این سازمان را به دلیل کسالت رد کرد و به وزارت بهداشت بازگشت. بعد از آن بود که سازمان ملی جوانان با سازمان تربیت بدنی ادغام و وزیر برای آن معرفی شد. در دولت احمدی‌نژاد نیز، با وجود مؤلفه‌های گفتمانی که حکایت از همسویی با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی داشت و به نظر می‌رسید رویکرد گفتمانی دولت وی، در مسیر بازگشت به مبانی انقلاب اسلامی قرار دارد، اما عملاً رویکرد مردم‌گرایی دولت، خوانشی عوام‌گرایانه از آرمان‌های انقلاب ارائه می‌کند که در حوزه زنان خود را با دو صفت گرایش به توده‌ای شدن و تأکید و تمرکز بر وظیفه سنتی زنان معرفی می‌کند. در واقع، به لحاظ مبانی، گفتمان دولت احمدی‌نژاد را بایستی در توده‌وار بودن آن و گرایش به توده‌ای دیدن امور فهم کرد. از این‌رو، این گفتمان با عنوان گفتمان توده‌گرای وظیفه محور معرفی شده است که از یکسو، تلاش می‌کند تصویری انبوه و توده‌ای از زنان ارائه بدهد و از سوی دیگر، مؤکداً در گفتار بر وظایف عارضی زنان از جمله مادر، دختر، همسر و خواهر بودن تأکید می‌کند؛ به عبارت دیگر، برای گفتمان احمدی‌نژاد، زن بدون وظایف عارضی، مجال حضور فردی و تعریف شده براساس هویت شخصیتی خود ندارد (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

گفتمان اصول‌گرا، با تأکید بر مفاهیم و ارزش‌های بنیادین و تأکید بر هویت بومی و فرهنگی با رویکرد اجتهاد دینی خواستار ارائه قرائتی خالص از اسلام است. تأکید این گفتمان در توجه به مسائل زنان، فاصله گرفتن از اندیشه‌های غربی و آموزه‌های فمینیستی و اهمیت دادن به خانواده و ترسیم نقش زن بعنوان عضو اصلی و قانونی نهاد خانواده است. البته این حضور و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان را نیز پذیرفته و آن را در جهت

نقش و جایگاه زن در خانواده مورد توجه قرار می‌دهد. بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های گفتمان اصول‌گرایی درباره زنان به قرار زیر است:

- (۱) تأکید بر تعریف نقش زنان در بستر خانواده؛
- (۲) گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و ترویج آن در ادارات و محیط‌های شغلی؛
- (۳) آموزش و گسترش اشتغال زنان متناسب با نقش‌های جنسیتی؛
- (۴) توجه به برنامه‌ها و سیاست‌هایی در راستای ایجاد تعادل میان اشتغال و نقش‌های خانگی زنان (شاهسونی و مولایی، ۱۳۹۴). بخشی از اقدامات عملی دولت اصول‌گرا شامل موارد زیر است:
- (۵) ارائه برنامه‌های اشتغال زنان با رویکرد خانواده‌محور شامل دورکاری، اشتغال نیمه‌وقت و کاهش ساعات کاری و گسترش مشاغل خانگی و افزایش مدت مرخصی زایمان؛
- (۶) در اولویت قرار دادن زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست در برنامه‌های اشتغال‌زایی زنان؛
- (۷) تأکید ماده (۲۳۰) برنامه پنجم توسعه بر مشاغل خانگی و تلاش جهت درآمدزایی در حوزه خانواده (این امر با هدف سالم‌سازی محیط‌های کاری، کاهش اختلاط زن و مرد و در راستای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مورد توجه قرار گرفته است)؛
- (۸) توجه به برنامه‌های توانمندسازی زنان به‌ویژه زنان نخبه و زنان سرپرست خانوار (قوی، ۱۳۹۱).

مهم‌ترین ویژگی‌های این جریان را می‌توان اینگونه برشمرد:

- (۱) توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد؛
- (۲) توجه به حقوق و اخلاق بعنوان دو محور اصلی روابط زن و مرد؛
- (۳) نفی تقابل و تضاد زن و مرد؛
- (۴) توجه به خانواده بعنوان واحد بنیادین جامعه؛
- (۵) حفظ استقلال و پرهیز از انفعال؛
- (۶) پرهیز از تجددمآبی و تحجرگرایی (همان، ۱۹۶).

۷- گفتمان جایگاه زنان در دولت روحانی

حسن روحانی در تمامی روزهای تبلیغات انتخاباتی‌اش آنچنان از حقوق شهروندی حرف می‌زد که همه را در انتظار تماشای تفاوت‌های دولت او با سایر دولت‌ها نگه داشت. انتظاری که البته با این جمله معروف او که «زنان نباید به داشتن یک وزیر زن راضی شوند»، بالا گرفت، سیاستمداران زن را امیدوار به معرفی حداقل ۵ وزیر زن به مجلس کرد، اما با پیروزی او در انتخابات خرداد ماه هم هیچ تغییری در جنس کابینه رخ نداد تا در بیست و هشتمین روز از مرداد ۹۲، تاریخ باز هم برای زنان ایران تکرار شود. در لیست ۱۸ نفره وزیران

روحانی، خبری از هیچ زنی نبود تا باز هم معاونت سازمان محیط زیست، جور همه بی‌اعتمادی‌ها به زنان ایران را بکشد. «معصومه ابتکار» با بازگشت به صندلی خود در طبقه نهم ساختمان پارک پردیسان، باید در کنار «شهین دخت مولوردی» معاون امور زنان و «الهام امین‌زاده» معاون حقوقی رئیس جمهوری، جای خالی چندین سیاستمدار زن ایرانی را پر می‌کردند. احمدی‌نژاد با داشتن یک وزیر زن در کابینه کمی کار را برای حسن روحانی که دنبال تحولات بسیاری در دولت و کابینه بود سخت کرد. اما او فکر بکرتری داشت، و فرمانداری چهار منطقه را به زنان سپرد تا بتواند بواسطه این کار، در تاریخ ایران اولین حضور زنان در فرمانداری را به نام دولت تدبیر و امید ثبت کند. معصومه پرندهوار، فرماندار هامون، عزت کمال‌زاده فرماندار قشم، حمیرا ریگی فرماندار قصرقند و مارجان نازقلیچی فرماندار بندرترکمن زنانی هستند که در دولت روحانی در یکی از مهم‌ترین پست‌های اجرایی فعالیت دارند. معرفی کابینه حسن روحانی به مجلس پیش از موعد قانونی و در روز تحلیف اگرچه تحسین بسیاری را برانگیخت آن را اقدامی مثبت از سوی رئیس دولت ارزیابی کردند اما عدم حضور زنان در کابینه رئیس جمهوری که بر حقوق زنان تأکیدات زیادی داشت دلخوری بسیاری از زنان را سبب شد (سادات اسدی، ۱۳۹۰).

با این وجود اما به نظر می‌رسد روحانی مسیری متفاوت از دو رئیس جمهور سابق را در دستور کار خود گذاشته است. معرفی الهام امین‌زاده بعنوان معاون حقوقی ریاست جمهوری گرچه تصورات را به سمت آن برد که روحانی نیز چون خاتمی ریسک داشتن وزیر زن را نکند و معاونان زن را جایگزین وزرای زن کند اما خبرهای منتشر شده طی هفته گذشته مبنی بر معرفی سخنگوی زن برای وزارت خارجه و فرستادن سفرای زن بارقه‌های امید را در بین زنان ایجاد کرده است. امری که در صورت تحقق نهایی می‌تواند رنگ امیدی از حضور پررنگ زنان در مجامع بین‌المللی در قالب دیپلمات و سفیر باشد. چه آنکه محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه تصمیم گرفته تا سه پست کلیدی را در اختیار سه زن قرار دهد؛ سخنگوی وزارت خارجه، نمایندگی ایران در ژنو و واگذاری مسئولیت یکی از سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور. محمد جواد ظریف تصمیم دارد تا با بهره‌گیری از زنان در پست‌های کلیدی پیام و صدای جدید وزارت خارجه ایران را به گوش همکاران خارجی خود برساند. به گفته عباس عراقچی «در وزارت امور خارجه همکاران خانم در سطوح بالای مدیریتی و کارشناسی قرار دارند و حتما حضور خانم‌ها در عرصه سیاست خارجی می‌تواند تاثیرگذار و موفق باشد.» سخنگوی فعلی وزارت خارجه تأکید کرده که «هم‌اکنون سطوح مدیریتی از جمله مدیرکل حقوق بشر و مدیرکل دیپلماسی عمومی برعهده دو نفر از همکاران خانم‌هاست که از تجربیات خوبی برخوردار هستند.» مرضیه افخم و منصوره شریفی صدر دو زنی هستند که عباس عراقچی به آنها اشاره کرده است. مرضیه افخم، نخستین سخنگوی زن وزارت خارجه ایران است. در حالیکه از «پیمان‌هسته‌ای» کارشناس ارشد وزارت امور خارجه و گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور مردمان بومی بعنوان یکی دیگر از کاندیداهای سخنگویی وزارت

خارج نام برده می‌شد اما در نهایت این مرضیه افخم بود که سمت‌دار سخنگویی استراتژیک‌ترین و حساس‌ترین وزارتخانه دولت شد. او از مدیران قدیمی وزارت خارجه محسوب می‌شود که در دوران وزارت علی‌اکبر ولایتی مسئولیت اداره کل اخبار و مطبوعات وزارت خارجه را برعهده داشته است. او همچنین در زمان تصدی کمال خرازی بر وزارت خارجه و سخنگویی حمیدرضا آصفی در این سمت باقی ماند و برای مدتی در یکی از سفارتخانه‌های ایران در یکی از کشورهای آفریقایی اقدام به فعالیت کرد. او پس از بازگشت از آفریقا دوباره در وزارت خارجه مشغول بکار شد. مرضیه افخم هم‌اکنون مدیرکل دیپلماسی عمومی وزارت خارجه است. او به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط دارد. منصوره شریفی، نخستین نماینده زن ایران در ژنو است. همزمان با انتخاب یک زن برای پست سخنگویی وزارت خارجه برخی خبرها هم حکایت از آن دارد که محمد جواد ظریف پس از رایزنی با منصوره شریفی صدر، معاون سفیر ایران در توکیو و مدیرکل فعلی حقوق بشر و زنان وزارت خارجه، حکم وی را بعنوان نخستین سفیر و نماینده دائم زن ایران در ژنو صادر خواهد کرد.

اگر مدیران زن به هر دلیلی مشخص شود توانایی کافی برای انجام مسئولیت خود را ندارند، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند البته باید تاکید کنم که این ناکارآمدی بین مدیران آقا نیز اتفاق می‌افتد و مدیرانی بودند که توان مدیریت جامع را نداشتند ولی مسئله اینجاست که مشکل و ناکارآمدی یک مدیر آقا به گردن همه آقایان نمی‌افتد و نمی‌گویند چون این آقا در کارش ناتوان بود پس همه آقایان ناتوان هستند ولی متأسفانه ۴۳ در جامعه ما هنوز نگرش‌هایی وجود دارد که اگر کاری به یک خانم سپرده شود و نقدهایی هم به او وارد شود فوراً ناکارآمدی به جنسیت او ارتباط داده می‌شود و برخی مدام دنبال این هستند که اثبات کنند خانم‌ها برای کارهای اجرایی و مدیریتی ساخته نشده‌اند و ناتوان هستند (ابتکار، ۱۳۹۴).

مبنای بسیاری از گفته‌های معاونت درباره اشتغال زنان، آموزه دینی برابری فرد انسانی فارغ از جنسیت در دین اسلام است. از نظر معاونت این آموزه در تعارض با وضعیت فعلی زنان در ایران و در جوامع اسلامی است. در نگاه معاونت امور زنان، همکاری نکردن مردان در امور مربوط به خانه (بیش از ۱۵۰ ساعت کار زنان شاغل متأهل)، غیبت مردان از امور مربوط به فرزندان که سبب تحمیل بار مادری و پدری بر زنان است، محدودیت‌های شغلی به دلیل منع قانونی (مخالفت همسر یا تخالف با مصالح خانواده) و مسأله قومیت و نان‌آوری مردان از جمله مشکلات اشتغال زنان است که نقش دین در آنها پررنگ دیده می‌شود (خادمی، ۱۳۹۸). این معاونت همچنین معتقد است که در متون دینی برای هر یک از این موارد، راهکارها و توصیه‌های اخلاقی وجود دارد که به دلیل تأکید بر دسته‌ای خاص از روایات و اقوال علماء، از آنها غفلت شده است و می‌توان با رجوع به اقوال کمتر شناخته شده و برجسته‌سازی توصیه به مردان برای مشارکت بیشتر در خانواده، از مضامین دینی برای رفع مشکل زنان در موضوع همسری، مادری و خانه‌داری بهره برد. همچنین درباره

مواعی مانند ریاست همسر و امکان منع او از اشتغال زن یا تصدی مناصبی چون قضاوت یا ریاست جمهوری، به‌زعم معاونت امور زنان، می‌توان بر جستجو روایات کمتر شناخته شده، توجه به عنصر زمان و مکان استناد کرد تا در عین راهگشایی و حل مسائل زنان، چهره جدید جامعه اسلامی را نیز رقم زند. بخش دیگر بر اشتغال زنان، اولویت مسائل اقتصادی و اشتغال در دولت یازدهم و به‌ویژه نیازهای معیشتی زنان تمرکز دارد. همچنین معاونت با ایجاد سامانه پیامکی ۱۰۱ مبادرت به دریافت مطالبات زنان کرده و اشتغال را اولین و آخرین اولویت زنان و دختران معرفی می‌کند. در گام بعدی مشابهت نیازهای زنان شهر و روستا در حوزه اقتصاد را مورد تأکید قرار داده و مسأله اول زنان کشور معرفی می‌کند. در این میان توجه به آسیب‌های اجتماعی زنان از گروه‌های گوناگون و ربط آن با مسائل اقتصادی، از دیگر مانورهای این حوزه توسط معاونت امور زنان است. توجه ویژه به حل مسائل اقتصادی زنان در قالب برجسته‌سازی مسائل زنان در برنامه ششم توسعه است. در این راستا معاونت تلاش دارد در راستای ایده «قرن بیست و یکم؛ قرن زنان» و «اهداف توسعه هزاره» زنان را به جایگاه مناسب‌شان نزدیک کند. در راستای مدیریت این بحران معاونت اقدام به ارائه بسته اشتغال پایدار (معوق مانده از ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه)، کار شایسته، رشد فراگیر، ترویج کارآفرینی، زمینه‌سازی بازیابی نگرش جنسیتی در برنامه ششم توسعه، اصلاح بندهایی از ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه (که مانع تحقق عدالت جنسیتی است)، برگزاری همایش‌های بین‌المللی با موضوع نقش زنان در توسعه، ایجاد حساسیت جنسیتی در تخصیص بودجه، حساس‌سازی مسئولان نسبت به نرخ مشارکت اقتصادی زنان، بازترویج شعار شایسته‌سالاری و تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان غیرحساس به جنسیت، توانمندسازی و توان‌افزایی زنان جهت مشارکت در فرایند توسعه و پیشرفت، برنامه‌های کارآفرینی، برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های کارآفرینی، ترویج اشتغال خانگی و ایجاد بازارچه‌های خوداشتغالی کرده است.

با پایان دوره سازندگی و آغاز بکار دولت جدید، گفتمان اصلاحات بر گفتمان‌های سیاسی دیگر پیشی گرفت و بر فضای سیاسی کشور تا حدودی مسلط شد. این دوره همزمان با دوره‌ای بود که مسأله زنان در راستای تحولات بین‌المللی و ایجاد فضای باز سیاسی به مسأله‌ای جدی تبدیل شد و ناگزیر به توجه سیاست‌مداران و گروه‌های سیاسی بود. هسته اصلی تفکرات اصلاح‌طلبان در حوزه اشتغال زنان مشارکت برابر زنان در دستیابی به اشتغال برابر بود که این فرصت‌های برابر تنها از طریق برنامه‌های توانمندسازی میسر بود. شیوه‌های توانمندسازی زنان در این دوره در طرح‌های بلندمدتی در کشور تعریف شد که توسط گفتمان اصلاحات طراحی آن صورت گرفت که عمده‌ترین آنها را می‌توان در برنامه سوم و چهارم توسعه یافت. گفتمان اصلی اصلاح‌طلبان و نگاهی که به زن بطور عمومی دارند، به موارد زیر خلاصه می‌شود:

- ۱) تأکید بر نقش مستقل زن در جامعه و خانواده؛
- ۲) توانمندسازی زنان و ارتقاء کیفیت زندگی زنان؛

۳) استفاده از تفکرات نواندیشی دینی در تبیین ساختار خانواده و نقش زنان؛
 ۴) ایجاد برابری جنسیتی در حوزه مشارکت اقتصادی؛
 ۵) وارد ساختن گفتمان‌های بین‌المللی و جهانی درخصوص تبیین جایگاه زنان در جامعه.

موارد زیر را می‌توان از جمله تأثیرات گفتمان اصلاح‌طلبی بر فضای اشتغال زنان و سیاست‌گذاری‌های کلان دانست:

- ۱) تدوین برنامه سوم توسعه و گنجاندن بندهایی جهت افزایش مشارکت اقتصادی زنان؛
- ۲) اصلاحات در ساختارها و باورها: ایجاد جریان روشنفکری دینی برای کسب مشروعیت تغییر ساختارهای خانواده؛
- ۳) افزایش ورود زنان به دانشگاه‌ها و تغییر در چهره دانشگاه‌ها در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵؛
- ۴) حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی و پیگیری مطالبات زنان از متن جامعه و گروه‌های مدنی زنان؛
- ۵) تدوین برنامه چهارم توسعه و تلاش برای گنجاندن عبارت «عدالت جنسیتی» در برنامه چهارم توسعه (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۱).

اشتغال زنان در برنامه سوم توسعه منوط به برداشتن موانع اداری و حقوقی بر سر راه افزایش فرصت‌های اشتغال و ارتقاء شغلی زنان (بند ب ماده (۱۵۸) برنامه سوم)، حمایت از اشتغال‌زایی زنان در قالب سازمان‌های غیردولتی (بند د ماده (۱۵۸) برنامه سوم) و نیز اولویت زنان بیکار سرپرست خانوار جهت دریافت وام بدون بهره (ماده (۵۶) برنامه سوم) بود و در برنامه چهارم توسعه؛ ماده (۱۱۱) بر گسترش فرصت مشارکت زنان در کشور، ارتقاء مهارت‌های شغلی و افزایش کارآیی زنان از طریق دوره‌های آموزشی ضمن خدمت (ماده (۵۴)، تساوی دستمزد مرد و زن در برابر کار هم‌ارزش، برابری فرصت‌ها برای زن و مرد و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های اشتغال مناسب بواسطه طرح "برنامه ملی توسعه کار شایسته" (ماده (۱۰۱) تاکید کرده است. به دنبال تدوین برنامه‌های توسعه سوم و چهارم و توجه به اشتغال زنان، طرح‌های پژوهشی، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی متعددی در این سال‌ها شکل گرفت که هر کدام به نوعی در تغییر نگاه جامعه نسبت به زنان و آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود نقش داشتند (امینی، ۱۳۹۵).

۸- مطالبات زنان در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران

گاهی مطالبات، و بطورخاص، مطالبات مربوط به جنسیت، که از سوی زنان مطرح می‌شود، می‌تواند در رخدادهای مختلف تأثیرگذار بوده و بعنوان یک حربه و یک موضوع دادوستد میان مدعیان و کسانی که در مسیر انتخاب‌شوندگی قرار دارند و افرادی که در جایگاه سیاسی قرار می‌گیرند، مورد استفاده قرار گیرد. در انتخابات دیده می‌شود که گروه‌های مختلف زنان با انتشار نامه‌های سرگشاده، مطالبات خود را از منتخبین

احتمالی، درخواست می‌نمایند. اینکه مطالبات بتواند انتخابات سیاسی را در سطح کلان، تحت تأثیر قرار دهد، هیچ ارتباطی با صحت آن مطالبات ندارد؛ بلکه قدرت و نفوذ مطالبات هستند که قدرت تعیین‌کنندگی و تأثیرگذاری را دارا هستند؛ یعنی هر قدر این مطالبات با قدرت بیان شده، بیشتر پشتیبانی شوند و حمایت عمومی بیشتری را در پی داشته باشند، به همان میزان می‌توانند پیش‌برنده و تأثیرگذار باشند؛ بنابراین این مسئله کمتر با صحت مطالبات در ارتباط است. گاهی ممکن است مطالبات بتواند حمایت‌های بزرگ مردمی را جذب کند و یا اینکه به یک موضوع محوری برای جریان اپوزیسیون ضدنظام تبدیل شود. یکی از جهات اهمیت داشتن مطالبات زنان، بعنوان خواسته‌نیمی از جمعیت یک کشور، این است که خود این مطالبات تبعاتی را به همراه خواهد داشت؛ چراکه برخی مطالبات در صورتی که مدیریت نشود مطالباتی دیگر را در سطوح بالاتر ایجاد خواهد کرد. نمی‌توان گفت که این مطالبات، همگی مطالباتی موهومند. نظام اسلامی برای این مطالبات باید تمهیداتی را در نظر بگیرد؛ چراکه اهمیت این مطالبات به حدی است که می‌تواند منشأ حرکت‌ها و واکنش‌های مختلف باشد. بعد از شناخت مطالبات، آنچه مهم است این است که عدم تشخیص مطالبات واقعی از مطالبات کاذب و عدم شناسایی به موقع مطالبات نیز به نوبه خود می‌تواند خطرآفرین باشند. طبیعی است که به جهات مختلف و در موضوعات مختلف، ممکن است زنان احساس نیاز کنند و نیازهایشان را با ابزار مختلف مثل رسانه و تبلیغات در سطح اجتماع، به دیگران نیز سرایت دهند با این وجود گاهی ممکن است این نیازها، احساس نیاز واقعی نباشند و یا زمانی که گفته می‌شود یک احساس نیاز مربوط به طبقه عظیمی از زنان است، واقعاً این‌گونه نباشد و احساس نیاز تنها مربوط به گروه اندکی از زنان مثل زنان نخبه، مدیر یا زنان شهری طبقه متوسط یا مرفه باشد. بنابراین شناخت این نیازها و وجود معیار برای شناسایی آنها دارای اهمیت بسیار است. البته انسان‌ها، معمولاً در نیازهای اولیه، مانند خوراک و پوشاک و مسکن، اشتباه نمی‌کنند؛ اما در سطح نیازهای ثانوی احساس نیاز ممکن است کاملاً درست نباشد (رهبر، ۱۳۹۰).

مطالبات ممکن است برای حاشیه‌های امنیتی یک نظام خطرناک باشند، لذا برای نظام سیاسی یک کشور مهم تلقی می‌شوند. بطور مثال در سال‌های اخیر برخی مطالبات اجتماعی مطرح گردید؛ اما واکنش به این مطالبات، واکنش درستی نبود و باعث شد که همان مطالبات اجتماعی به یک مسئله امنیتی و سیاسی تبدیل شود بنابراین می‌بایست مطالبات اجتماعی را در سطح مطالبه اجتماعی حفظ نمود. مسئله مهم دیگر، ارتباط مطالبات زنان با حوزه اقتصاد است. اینکه اولویت‌های زندگی اقتصادی، چیست؟ زنان با اقتصاد چه پیوندی دارند و اینکه آیا جامعه ما، جامعه‌ای مصرفی است یا خیر، در مطالبات تأثیرگذار است. نکته دیگر اینکه، نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به مطالبات زنان بی‌تفاوت باشد و نحوه مواجهه با مطالبات نیز بسیار اهمیت دارد. اینکه مطالبات را به مطالبات واقعی و غیرواقعی، تفکیک کردیم؛ به این معنا نیست که نظام اسلامی به نیازهای

واقعی توجه کند و از نیازهای غیرواقعی غفلت نماید، زیرا نیازهای غیرواقعی تأثیری به‌همین‌گونه دارند. نظام اسلامی برای هدایت و کنترل مطالبات چه تدابیری اتخاذ نماید؟ چه بخشی را جواب بدهد و چه بخشی را در درجه دوم اهمیت قرار دهد که با اهداف و سیاست‌های مهم‌تری چون حفظ ساختار خانواده و کارآمدی آن، سازگار باشد؟ در همه جای دنیا این اعتقاد وجود دارد که زنان نمی‌توانند میان نقش مادری و اشتغال به راحتی جمع کنند. یعنی حضور زنان در هر دو عرصه، به شدت نیازمند حمایت دولت است. بنابراین دولت در این عرصه، چه مسئولیت‌هایی دارد؟

۹- بررسی جایگاه سیاسی زنان در دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی

نگاهی کوتاه به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی امور زنان در دولت‌ها بیانگر آن است که هریک از دولت‌ها مدعی برتری، مطابقت بیشتر با واقعیت، پیگیری اهداف جمهوری اسلامی و منویات مقام رهبری است. در سال ۱۳۹۲ دولت پس از چرخشی هشت ساله در گفتمان اصولگرایی، بار دیگر به رقیب خود واگذار شد. در زمان حاضر و برقراری دولت تدبیر و امید که خود را گفتمانی معتدل و میانه‌رو می‌داند، برخورد با زنان با رویکردی مشابه با دولت اصلاحات ادامه یافت. روحانی در وعده‌های انتخاباتی خود با تأکید بسیار بر زنان و مسائل مربوط به آنان برخورد کرده و وعده برابری بین زن و مرد را داد: «دولت آینده، دولتی است که فرصت^{۴۷} برابری برای زنان و مردان ایجاد می‌کند ... در برنامه دولت تدبیر و امید، تقویت نهاد خانواده و افزایش رضایتمندی در زندگی خانواده، تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعدادها، علمی، پژوهشی و سیاسی و اجتماعی زنان، جبران تفاوت فاحش بین نرخ بیکاری زنان و مردان، ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریت، برخورداری همه زنان از پوشش تأمین خدمات اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد ... در پنج سال گذشته، ۲۳ درصد از حضور زنان شاغل کاسته شده است، باید نسبت اشتغال زنان با نسبت اشتغال به تحصیل آنها برابری کند و در دولت آینده این نسبت نزدیک می‌شود».

دولت یازدهم در حالی آغاز بکار کرد که برنامه پنجم توسعه در حال اجرا و البته اتمام بود. بنابراین سیاست‌های دولت در حوزه زنان و اشتغال بنا به لزوم دنباله‌روی از برنامه پنجم توسعه در پی آن است که در تدوین برنامه ششم الگوهای مورد نظر خود را نیز پیگیری کند. با این وجود همچنان بحث توانمندسازی و به‌ویژه توانمندسازی اقتصادی و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. در برنامه پنجم به اشتغال زنان در حوزه زنان سرپرست خانوار تأکید شده بود و دولت نیز همان مسیر را بنحوی جدی‌تر یا به عبارت بهتر رسانه‌ای‌تر پی گرفت و در کنار آن با پرداختن به بحث فقر زنانه، سالمندی جمعیت، زنان تحصیلکرده بیکار، افزایش آمار دختران خودسرپرست، فقر زنان روستایی، ممانعت از مهاجرت و حاشیه‌نشینی، مدیریت آسیب‌های اجتماعی

و نیازمندی به توان زنان جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار در صورت‌ها و اقسام گوناگون به مطرح کردن بحث اشتغال زنان به ارائه سیاست‌های اشتغال موردنظر خود مبادرت کرد. برنامه اشتغال دولت یازدهم در حوزه زنان را در قالب «سند سیاستی اشتغال پایدار با جامعه هدف زنان فارغ‌التحصیل و زنان خانه‌دار با اولویت مناطق محروم» را بدین شرح می‌توان برمی‌شمرد: «تسهیل فرآیندهای قانونی تأسیس شرکت‌های تک‌نفره دانش‌بنیان در بخش خدمات در چارچوب مشاغل خانگی برای زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی، تسهیل فرآیندهای قانونی و تکنولوژیک تأسیس شرکت در فضای سایبری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی- شبکه‌ای زنان خانه‌دار با برخورداری از دانش فنی مرتبط، تعریف سهم و نقش زنان در انواع فعالیت‌های اقتصادی با رویکرد توسعه پایدار در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی، تعریف کار شناور مبتنی بر حجم کار- دستمزد برای تسهیل کار زنان و مردانی که به علت مقتضیات خانوادگی امکان کار تمام‌وقت را ندارند و تعریف و تسهیل فرآیندهای قانونی کار ساعتی برای دانشجویان دختر و زنان سرپرست خانوار تحت نظارت قانونی وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی در حوزه ارائه خدماتی که به تقویت حوزه عمومی درباره وظایف خانگی اعضای خانواده بینجامد». نگاهی به تجربه مشارکت سیاسی زنان در ایران نشان می‌دهد که حضور آنها در ساختارهای قدرت، ضرورتاً مترادف با تعدیل نابرابری‌های جنسیتی نیست، زیرا همین میزان اندک مشارکت نیز، در ساختاری مردانه و مبتنی بر تبعیض، امکان هدایت به سمت منافع گروه‌های مختلف زنان را نمی‌یابد. در کشورهایمانند ایران که از دیرباز، دولت قدرتی مسلط بر جامعه داشته، «اصلاحات از بالا» در جهت بهبود وضعیت گروه‌های مختلف اجتماعی، در مقایسه با اصلاحات از پایین و از طریق جنبش‌های اجتماعی، امکان بروز بیشتری داشته اما بین دو سنخ از اصلاحات در خصوص امکان موفقیت جنبش زنان پیوندی متقابل وجود دارد. بدین معنا که در اعمال سیاست اصلاحات از بالا، مسئولیت ایجاد تغییرات و حمایت از مشارکت اجتماعی زنان و همچنین تلاش در جهت تغییر رویه‌های قانونی و فرهنگی به نفع زنان، برعهده دولت است اما نقش جنبش زنان، در واقع وادار کردن دولت‌ها و ساختار سیاسی به ضرورت مداخله در مساله زن است. نگاهی به تجربه مشارکت سیاسی زنان در ایران نشان می‌دهد که حضور آنها در ساختارهای قدرت، ضرورتاً مترادف با تعدیل نابرابری‌های جنسیتی نیست زیرا همین میزان اندک مشارکت سیاسی زنان نیز، در ساختاری مردانه و مبتنی بر تبعیض، امکان هدایت به سمت منافع گروه‌های مختلف زنان را نمی‌یابد. پس از سال‌ها مبارزه از دوران مشروطه به بعد، تعداد ۱۷ نماینده زن در برابر ۲۷۳ نماینده مرد در مجلس دهم، گواه محدودیت زنان و سختی کار آنها در حوزه سیاسی کشور است؛ به‌ویژه اینکه زنان در تعیین خط مشی‌های کلی حوزه قانونگذاری نیز نقش چندانی ندارند. از آنجا که باور به ناتوانی زنان در پست‌های مدیریتی و بسیاری از مشاغل که به صورت سنتی، مردانه پنداشته می‌شوند، ریشه در فرهنگ، تاریخ و هنجارهای اجتماعی ما دارد، حضور

زنان در پست‌های مدیریتی و حوزه سیاسی، مترادف با بهبود وضعیت تبعیض‌آمیز اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه نبوده و نیست (یعقوبی و صدر، ۱۳۹۳).

بعلاوه، زنانی که به سوی عرصه‌های قدرت گام برمی‌دارند، بایستی افزون بر توانایی‌ها و مهارت‌هایی که مردان نیز باید برای احراز آن مسئولیت یا شغل دارا باشند، چندین برابر مردان برای اثبات توانایی و قبولاندن خود به ساختار موجود تلاش کنند. علاوه بر این، پس از موفقیت و راه‌یابی به پهنه قدرت، می‌بایست در قالب ساختارهای موجود و استانداردهای کهن اداری و دولتی فعالیت کنند؛ بنابراین شانس کمی برای تغییر ساختارهای اصلی نگهدارنده نظم سیاسی و اجتماعی موجود که همواره بر علیه زنان است دارند. زنان سیاستمدار، برای ایجاد تغییرات کوچکی به نفع زنان، مانند تصویب لوایحی به نفع آنها یا برابری حقوق زنان با مردان در مشاغلی مشابه با کیفیت‌هایی مساوی، توان و امکان کمی دارند. علیرغم تاکید اسلام بر لزوم ارتقای جایگاه زنان، اما به نظر می‌رسد قوانین موجود محدود کننده حقوق زنان، موجودیت و مشروعیت‌اش را از قرائت خاصی از سنت و آموزه‌های دینی و تاریخی می‌گیرد؛ سلطه این نگاه در گستره اجتماعی و در سطح نخبگان سیاسی سبب شده است که حضور زنان در پارلمان با وجود فضای مردسالار، عدم تجربه سیاسی زنان، نداشتن تجربه دموکراسی و فقدان ارتباطات و لابی‌های لازم، تلاش زنان در جهت تصویب لوایحی به نفع زنان را کم‌تاثیر و بیشتر به شکل سمبولیک کند. تجربه جامعه ایرانی از مشروطه به بعد نشان ۴۹ می‌دهد که آزادی‌های سیاسی و آگاهی اجتماعی، پشتوانه قوانین ناظر بر حقوق شهروندی و بخصوص شهروندان زن است و نظام‌های سیاسی در صورتی که به وجه جنسیتی گفتمان سیاسی و ایدئولوژیک موجود، پایبندی نشان دهند، عمل قانون‌گذار با هدف رفع تبعیض از زنان به تنهایی کارساز نیست و به بهبود وضعیت حقوقی زنان منجر نمی‌شود؛ چراکه دولت و نظام قضایی در تمام دنیا به واقع، حافظ سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی است و تا زمانی که این سنت‌ها نقش سیاسی برای زنان قائل نشوند، نقش آنان در عرصه سیاسی، صرفاً زائده‌ای است که در مواقع ضرور به راحتی از سطح نظام سیاسی زدوده می‌شود. احمدی‌نژاد در آن شرایط و فضای سیاسی کشور، یک زن را بعنوان وزیر انتخاب کرد ولی روحانی در دولت اول و حتی در دولت دوم که فضا بسیار مساعد و بستر فراهم بود از زنان استفاده نکرد. اگر یک نکته مثبت در تمام عملکرد احمدی‌نژاد باشد، همین تابوشکنی حضور زنان بعنوان وزیر در کابینه است. ما تصور می‌کردیم او کار نمایشی کرد تا نشان دهد و بگوید به ضرورت اجتماعی بخش زیادی از جامعه پاسخ داد. همان کاری که در دوره اصلاحات اجازه نداد صورت بگیرد. شما شاهد هستید که دولت اصلاحات قصد داشت وزیر زن انتخاب کند ولی برخی از آقایان هشدار دادند که ما به ملت می‌گوئیم به شما مالیات ندهند. اما بعد با احمدی‌نژاد مخالفتی صورت نگرفت و همه فهمیدند که این مشکل جریان سیاسی مقابل با اصلاحات است که می‌خواهند

به هیچ وجه اصلاحات، کار بزرگی انجام ندهد. البته چون اقدام احمدی‌نژاد نمایشی بود و احساس قوی انسانی و حقوقی پشتش نبود، دیدیم که این زن که عملکرد بسیار بهتری طبق معمول از برخی آقایان در آن کابینه داشت به دلیل یک مخالفت، به سرعت برکنار شد. احمدی‌نژاد ناخواسته حرکتی را انجام داد که به نفع جامعه زنان بود زیرا امروز دیگر کسی نمی‌تواند بگوید تابو بوده و اسلامی نیست، چراکه با صدای بلند می‌گوئیم چگونه برای احمدی‌نژاد و دولت او تابو نبوده و برای ما تابو است (مسعودنیا، ۱۳۹۰). در دوران حاکمیت جریان اصول‌گرا تحولات مهمی در حوزه مباحث زنان رخ داد که مهم‌ترین آنها توجه ویژه به موضوع خانواده در سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با این حوزه و فاصله گرفتن از روند منفعلانه و متأثر از تفکرات غربی حاکم بر مراکز سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و اجرایی حوزه یادشده است؛ اما با این وجود، این جریان در دوران هشت‌ساله حاکمیت خود بر قوه مجریه کشور به دلیل ضعف‌های متعدد در حوزه‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، مدیریتی و اجرایی از یک‌سو، و تبیین نشدن بسیاری از اصول و مبانی اصول‌گرایی در حوزه مباحث زنان، از سوی دیگر، نتوانست کارنامه درخوری ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

اتفاقاتی که در سطح کشور و در بدنه اجتماعی می‌افتد، نه بر نظام و چارچوب‌های اصول‌گرایی است و نه اصلاح‌طلبی. مردم کار خود را می‌کنند و در متن تغییر و تحولات راه خود را پیدا می‌کنند. گاهی به دلایلی متمایل به اصول‌گرایی می‌شوند و گاهی به طرف گرایش‌های اصلاح‌طلبی می‌روند. اما مهم‌ترین اتفاق این است که جریان‌های مطرح کشور نتوانسته‌اند زنان و دختران را در متن خواسته‌های خود بعنوان خواسته‌های حاکمیتی قرار دهند؛ به جز کسانی که در منتهی‌الیه این دو جریان قرار دارند. به همین دلیل هر دو جریان در بحث زنان دچار آسیب هستند. جریان اصلاحات در حوزه مسائل زنان دچار اشتباهات بزرگی است که این اشتباهات موجب عدم موفقیت این جریان شده است. مهم‌ترین آسیب این جریان، عدم توجه به مسائل زنان اقشار مختلف است که باعث می‌شود از جریان‌های زنان و جنسیت عقب بماند. در حالیکه امروز جهان به مسائل زنان کاملاً پست‌مدرنی نگاه می‌کند و وقتی می‌خواهند مسائل اجتماعی را تحلیل کنند، همه جوانب را در کنار هم می‌بینند و همه طیف زنان، چه زنان قائل به حجاب و چه زنانی که قید و بند خانوادگی را قبول ندارند، دیده می‌شوند و به نیازهایشان توجه می‌شود اما جریان اصلاحات هنوز به زنان نگاه مدرن دارد و بسیاری از مسائل واقعی زنان را نادیده می‌گیرد. جریان اصلاح‌طلب با گذشت بیست سال که تغییر و تحولات بسیاری در حوزه زنان در کشور شده و گفتمان‌های جدیدی شکل گرفته است، چند ترجیع‌بند را هیچ‌گاه کنار نگذاشته و آن این است که هنوز فقه پویا و تغییر قوانین و تغییر ارزش را برای حل مسائل در نظر می‌گیرد و با این کار مهم‌ترین ضربه را به کشور وارد کرده و مسائل واقعی زنان را نیز نادیده می‌گیرد.

اصلاحات خیلی از مواقع الگوهای را از غرب بازنمایی می‌کند که حقیقت ندارد. با این کار ضرورت اجرای این سند در ابهام قرار می‌گیرد. همچنین یکی از آسیب‌هایی که در جریان اصول‌گرایی در حوزه زنان وجود دارد، این است که وقتی درباره مردم و مسائل زنان سخن می‌گوییم بخشی را نادیده می‌گیریم. البته این اشکال در جریان اصلاح‌طلبی هم هست. همانگونه که جریان اصلاح‌طلبی مطالبات خانواده‌محور را نادیده می‌گیرد، جریان اصول‌گرایی هم مطالبات زنان را گاهی نادیده گرفته است و فقط بر مسائل خانواده تمرکز دارد. در این جریان باید گفتگو کنیم که واقعاً منظور از مردم چیست و چه قشری را دربرمی‌گیرد؟ اگر طیف جریان انقلابی را نمایندگی می‌کنیم، نیمه دیگری از مردم را چگونه می‌بینیم؟ جغرافیای سیاسی که رهبر انقلاب تعیین می‌کند، همین است اما ما بعنوان پیروان خط اصیل این انقلاب نسبت به آن بی‌توجه هستیم. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که افرادی هستند که ارزش‌های متفاوتی با ارزش‌های مسلم جریان‌های انقلابی دارند اما محارب و معارض نیستند و در این تمامیت زندگی می‌کنند و باید با آنها ارتباط بگیریم و به نیازها و مطالبات شان توجه کنیم. ما این شکاف را باید درست و اصولی پر کنیم. جریان اصول‌گرایی باید این آسیب را ببیند تا بخشی از این مردم را بتواند نمایندگی کند. فرم‌زدگی یکی دیگر از آسیب‌های مهم جریان اصول‌گرایی است. در شورای فرهنگی و اجتماعی زنان نزدیک به سه دهه تلاش کردیم که سیاست‌گذاری کنیم ولی این سیاست‌ها به‌رغم اینکه سیاست‌های خوبی هستند اما اجرا نمی‌شوند و راهکار را تنها در تغییر ساختار و ایجاد کارگروه می‌بینیم؛ در صورتی که به معضل فرم‌زدگی بی‌توجه بوده‌ایم و هیچ‌گاه از سطح، به عمق نفوذ نکرده‌ایم و کارها را با ظرفیت‌هایی که وجود دارد پیگیری نمی‌کنیم. در بحث خانواده‌گرایی همه ما به خانواده معتقد هستیم اما اصول‌گرایان آن‌قدر این پرچم خانواده‌گرایی را به دست گرفته‌اند و همه چیز را از زاویه خانواده تحلیل کرده‌اند که نیازهای زنان دیگر را نادیده می‌گیرند و همین امر باعث می‌شود که زنان و دختران مجرد از گفتمان اصلاح‌طلب پیروی نکنند. از سویی این آسیب در اصلاح‌طلب‌ها هم وجود دارد و آنها نیز با تأکید بر هویت زن بخشی از جامعه زنان را نادیده گرفتند. ما باید برای حل این مشکل همه مسائل را در کنار هم ببینیم. هر دو جریان درباره زن در غرب دچار بازنمایی غلط هستند و عده‌ای را بی‌جهت عاشق و علاقه‌مند الگوی زن غربی می‌کنند و عده‌ای را از این الگو متنفر می‌کنند و هر دو گروه نمی‌توانند از ظرفیت‌های موجود استفاده کنند. اولین راهکار تفکیک مسائل زنان و خانواده است. مسائل خانواده بیشتر به برنامه‌های بلندمدت و خارج از سیاسی کاری نیاز دارد. اصلاح ساختار آموزش و پرورش نیز بعنوان راهکار سوم باید مورد توجه قرار گیرد. بحث آموزش و پرورش در همه جای دنیا مهم‌ترین پاشنه آشیل در تغییر و تحول است و دولتی که می‌خواهد با دولت دیگر بجنگد، دست روی آموزش و پرورش می‌گذارد و این در منازعات حزبی هم مشهود است. فرزندان ما واقعاً چقدر از آموزش و پرورش داده دینی دریافت می‌کنند و چقدر در این مدارس شخصیت

درست کسب می‌کنند؟ سیستم آموزش و پرورش به‌واقع یک سیستم غلط است و کاندیداها باید برنامه‌ای برای تحول و جراحی در نظام آموزش و پرورش داشته باشند. نظام آموزش و پرورش نظری‌محور و اطلاعات‌محور هیچ تأثیری در فرهنگ جامعه ندارد. نه تنها آموزش و پرورش که بسیاری از نهادها در کشور برای ظرفیت‌سازی وظیفه خود را انجام نمی‌دهند و تا مادامی که سیستم آموزش و پرورش تنها مبتنی بر تراکم اطلاعات باشد، نتیجه موفق نخواهیم داشت. بررسی سیر اشتغال زنان پس از انقلاب اسلامی بنحوی است که بیانگر سیری قابل بررسی در دولت‌ها و پیگیری سیاست‌های آنهاست. فرازو فرود مسأله اشتغال زنان در برهه‌ای با افزایش نرخ آن و در زمانی دیگر باتوجه به تسهیلات شغلی برای توازن نقش خانوادگی-اجتماعی مواجه بوده است. در کنار اهتمام دولت به بحث اشتغال و توانمندسازی اقتصادی زنان، طرح مطالبات جدی از جانب زنان سرشناس وابسته به این جریان فکری نیز در اهمیت یافتن این موضوع دخالت داشت.

فهرست منابع

- ۱- ابتکار، معصومه (۱۳۹۴)، **حضور زنان در دولت‌های ایران**، تهران: انتشارات خانه ملت.
- ۲- امینی، علی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی وضعیت اجتماعی زنان در دولت‌های دو دهه اخیر سعیده امینی»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ش ۲۸۳.
- ۳- آل‌غفور، محمدتقی (۱۳۸۸)، «ساختار عامل و مشارکت سیاسی»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، ش ۱۸.
- ۴- امام جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، س ۸، ش ۱.
- ۵- بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران»، **فصلنامه اندیشه قریب**، ش ۱۸.
- ۶- جان‌فزا، مهرداد (۱۳۹۱)، «مشارکت سیاسی حق یا تکلیف»، **فصلنامه سرباز**، ش ۲۰.
- ۷- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر میزان مشارکت سیاسی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، س ۷، ش ۲.
- ۸- حسینی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی زنان»، **پژوهشنامه زنان**، ش ۱.
- ۹- خادمی، عاطفه (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان وضعیت اجتماعی زنان در ایران»، **خبرنامه الکترونیکی مرکز الگوهای اسلامی ایرانی پیشرفت**، ش ۸.
- ۱۰- رهبر، عباسعلی (۱۳۹۰)، «امکان‌های جهان زیستی جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت سیاسی»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۲۰.
- ۱۱- رضوی، الهاشم (۱۳۸۹)، «مهندسی فرهنگی ضرورت نهادی شدن فرهنگ سیاسی زنان»، **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، ش ۳۹.

- ۱۲- ردادی، محسن (۱۳۹۰)، *نظریه اعتماد سیاسی با تأکید بر گفتمان اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۱۳- سادات اسدی، لیلا (۱۳۹۰)، «زنان و قضاوت»، *فصلنامه بانوان شیعه*، س ۴، ش ۱۷.
- ۱۴- شیرخانی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۶، ش ۲۲.
- ۱۵- شاهسونی، مجتبی و مولایی، رسول (۱۳۹۴)، «بررسی سیر تحویل نقش و جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، *دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی*.
- ۱۶- قوی، نیره (۱۳۹۱)، «حضور زنان بر انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر بیداری اسلامی»، *مجله بیداری اسلامی*، س ۱، ش ۱.
- ۱۷- کرمی قهری، محمدتقی (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۴، ش ۱۳.
- ۱۸- مسعودنیا، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه میان رشد طبقه متوسط جدید و افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: شهر کرمانشاه»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه*، ش ۱.
- ۱۹- نیک‌پور قنوتی، لیلا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، س ۳، ش ۱.
- ۲۰- نوابخش، مهرداد (۱۳۹۰)، «درآمدی بر مفهوم‌شناسی و زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ش ۱.
- ۲۱- یعقوبی، حسین و صدر، محمد (۱۳۹۳)، «جایگاه زنان در اسلام و سبک زندگی اسلامی»، *همایش ملی سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در عصر جهانی شدن*.